اخبار

علیرضا خمسه: کمدی انتقادی نباشد خروجی ضعیف می‌شود

علاقه به بازگشت باباپنجعلی

علیرضا خمسه بازیگر سریال‌های کمدی درباره ضعف برخی از این مجموعه‌ها بیان کرد که اگر این آثار انتقادی نباشند خروجی ضعیفی خواهند داشت.

علیرضا خمسه بازیگر سریال «چرخ گردون» درباره فیلمنامه‌های کنونی سریال‌هایی که به او پیشنهاد می‌شود به خبرنگار مهر گفت: با هرکسی که صحبت می‌کنید از ضعف فیلمنامه‌ها و از کاهش کیفیت آثار تولیدی می‌گوید.

وی اضافه کرد: همه از این خروجی ضعیف می‌گویند اما کسی فکر نمی‌کند که آبشخور اصلی و سرچشمه ای که این فیلمنامه‌ها در آنجا تولید می‌شود چه مشکلی دارد و مثلاً اگر من وزیر فرهنگ و ارشاد یا رئیس سازمان صداوسیما هستم باید دید چه برنامه بلندمدتی برای خروج از این ضعف‌ها دارم؟ و اصلاً چه سیاستی وجود دارد؟

خمسه تصریح کرد: اگر برنامه‌ای وجود داشته باشد همه تولیدکنندگان و تهیه کنندگان براساس همان برنامه پیش می‌روند. من فکر می‌کنم الان همه در حال ساخت کارهای مناسبتی و شتابزده هستند و نمی‌توانند به برنامه‌های از پیش تعیین شده برسند.

خمسه در ادامه درباره نقش خود در سریال «چرخ گردون» اظهار کرد: ما هنرپیشه‌ها به ایفای نقش‌های متفاوت علاقه‌مند هستیم و نقشی هم که در این سریال دارم از همان نقش‌های متفاوت بود که با کارهای قبلی ام وجه اشتراکی نداشت.

این بازیگر درباره علاقه مخاطب به شخصیت باباپنجعلی عنوان کرد: خودم هم این شخصیت را دوست دارم و اگر این شانس را داشته باشم حتماً در خدمت عوامل سریال خواهم بود.

وی درباره اینکه چرا کمتر کمدی‌های حال حاضر تلویزیون مخاطب را درگیر می‌کند، بیان کرد: اگر نتوانیم در کمدی‌ها انتقاد کنیم کارها ضعیف می‌شود. کمدی خوب اثری است که انتقادی باشد و بتواند از سیستم اجتماعی و اتفاقات زندگی انتقاد کند. وقتی نتوانید از کسی انتقاد کنید کارها ضعیف می‌شود.

سریال «چرخ گردون» محصول مرکز سیمرغ سازمان صداوسیما به کارگردانی جواد مزدآبادی و تهیه کنندگی سعید مرادی ساخته می‌شود.

به‌تازگی فصل دوم این سریال در آستانه پخش قرار گرفته است. مجموعه‌ای که این بار به موضوعات جدید با نویسنده و عوامل و برخی از بازیگران جدید می‌پردازد.

۲ بازیگر نقش اصلی علیرضا خمسه و حمید لولایی همانند سری قبل حضور دارند اما در فصل جدید کاظم نوربخش و رابعه اسکویی نیز به جمع آنها اضافه شدند و ایفای نقش امیر تاجیک برای اولین بار در کنار خوانندگی تیتراژ، از اتفاقات جدیدی است که در فصل دوم این سریال رقم می‌خورد.

بازگشت «باغ شادونه» به آنتن شبکه دو

«باغ شادونه» به میزبانی خاله شادونه و با محوریت خانواده و کودکان از جمعه ۳۰ شهریور به صورت روتین هر هفته جمعه‌ها حوالی ساعت ۱۵ روانه آنتن شبکه دو سیما می‌شود.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی شبکه دو، در هر قسمت از این برنامه ماجراهای جدیدی اتفاق می‌افتد که مهارت‌های کودکانه و ارزش خانواده را در قالب داستان‌هایی شاد و هیجان‌انگیز به بچه‌ها آموزش می‌دهد. حضور کودکان در باغ شادونه از دیگر آیتم‌های جذاب این برنامه است.

«باغ شادونه» کاری است از گروه کودک و نوجوان شبکه دو به تهیه‌کنندگی سید محسن مناجاتی و کارگردانی علی مختار زاده و با اجرای خاله شادونه (ملیکا زارعی) که جمعه‌ها حوالی ساعت ۱۵ میزبان مخاطبان شبکه دو سیماست.

کیانوش عیاری: تلویزیون سه و نیم میلیارد تومان به من بدهکار است

قرار بود با محمود دولت آبادی کلیدر را بسازم

کیانوش عیاری درباره اقتباس سینما ادبیات می‌گوید سال‌ها آثارم از ارشاد مورد پذیرش نبود، برای اینکه بتوانم کار کنم و امور زندگی را بگردانم از کتاب «خواهران غریب» اریش کستنر یک فیلمنامه نوشتم به نام «نیمه دو سیب» و واقعیت هم این است که فیلم خوبی نشد، به نظرم فیلم کیومرث پوراحمد به نام «خواهران غریب» بهتر از کار من بود.

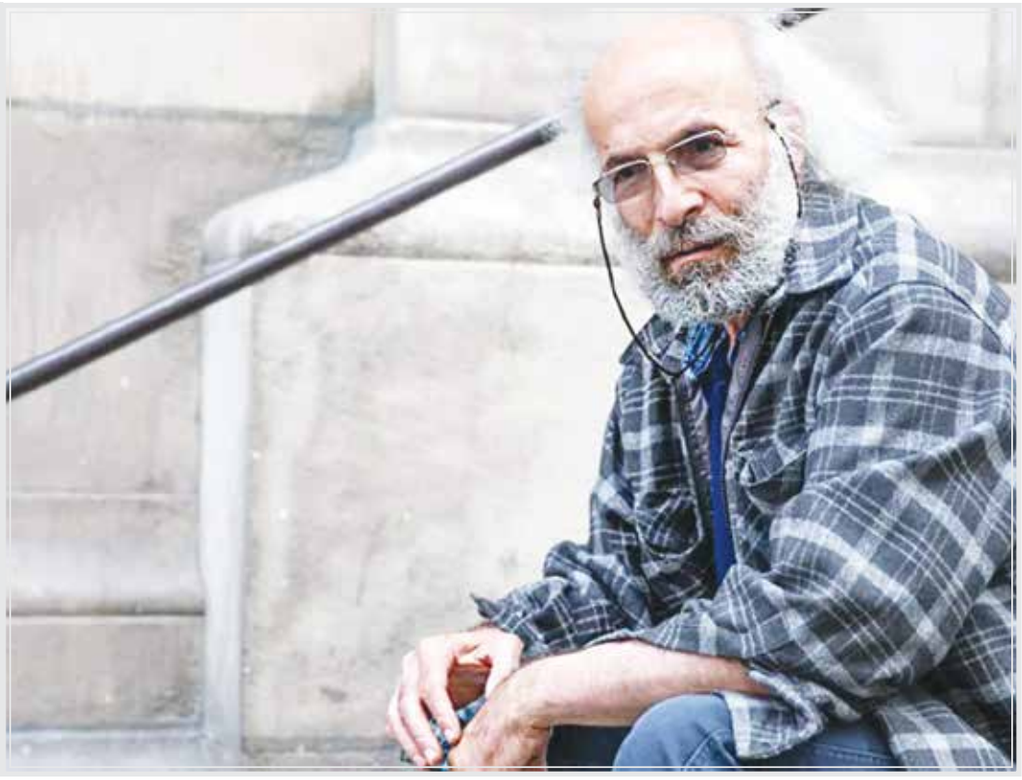

یک‌بار هم با آقای دولت‌آبادی صحبت کردم تا با اقتباس از «کلیدر» اثری بنویسیم و ایشان هم موافقت کرد اما تهیه‌کننده‌از نظر مالی با آقای دولت‌آبادی به توافق نرسیدند

در کودکی و نوجوانی سرک کشیدن به آپاراتخانه سینمایی که متعلق به پدرش بود، کیانوش عیاری را به دنیایی کشاند که اگرچه برایش بالا و پایین زیاد داشته اما پس از گذشت دهه‌ها هنوز حاضر به رها کردن آن نیست چون دوست دارد با سینما، زندگی خلق کند. حتی خودش می‌گوید «نمی‌دانم اگر سینما نبود چه کاره می‌شدم چون من حتی مسافرکشی هم بلد نیستم.» او به تازگی از مجموعه کتاب‌فیلمنامه‌هایش رونمایی کرده که به همت مهرداد غفارزاده گردآوری شده است.

به گزارش خبرآنلاین، این مجموعه که از فیلمنامه «تنوره دیو» تا «ویلای ساحلی» را شامل می‌شود مجموعه‌ای از تجربیات درونی و محیطی کارگردان به همراه دکوپاژ برای خلق آن اثر است. در ادامه و به بهانه رونمایی از این مجموعه آثار به گفت‌وگو با کیانوش عیاری، نویسنده و کارگردان سینما پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

● شما به تازگی فیلمنامه «تنوره دیو» را تبدیل به یک کتاب کرده‌اید، فکر می‌کنید، آثار وقتی مکتوب می‌شوند در درازمدت چه‌قدر می‌توانند روی سینما تاثیرگذار باشند؟

◄ در آثار ادبی هرقدر که روی موج تاکید نکنیم، من فکر می‌کنم که ماندگارتر می‌شوند. هرچه‌قدر اثر با موج حرکت کند همراه با موج پایین می‌آید. نکته مثبتی که درباره نشر چشمه وجود دارد این است که به برخی از لحظات تنهایی من هم رجوع کردند، که این قاعدتا باید ماندگارتر باشد.

● خودتان ادبیات و سینما را تا چه اندازه متاثر از یکدیگر می‌دانید؟

اصولا من فاصله زیادی میان ادبیات و سینما می‌بینم، البته ادبیات خارج از سینما برایم عزیز است، با این وجود تقریبا همه داستان‌های ایرانی را خوانده‌ام، در ایران نویسندگانی مانند اسماعیل فصیح هستند که آثارشان بسیار برای سینما خوب است.

● اما شما فیلمنامه «نیمه دو سیب» را از کتاب «خواهران غریب» اریش کستنر اقتباس کردید، تجربه خوبی برایتان بود؟

سال‌ها آثارم از ارشاد مورد پذیرش نبود، برای اینکه بتوانم کار کنم و امور زندگی را بگردانم از کتاب «خواهران غریب» اریش کستنر یک فیلمنامه نوشتم به نام «نیمه دو سیب» و واقعیت هم این است که فیلم خوبی نشد، به نظرم فیلم کیومرث پوراحمد به نام «خواهران غریب» بهتر از کار من بود. در فیلم من بازیگرم مریم مصدقی بعد از شروع فیلمبرداری باردار شد و دیگر نتوانست نقش را ایفا کند و من مجبور شدم فیلمنامه را تغییر دهم تا فقط از شر آن نوشته‌ها رها شوم.

البته یک‌بار هم با آقای دولت‌آبادی صحبت کردم تا با اقتباس از «کلیدر» اثری بنویسیم و ایشان هم موافقت کرد اما تهیه‌کننده از نظر مالی با آقای دولت‌آبادی به توافق نرسیدند. یک‌بار هم مدت‌ها قبل وقتی بسیار جوان بودم، جای خالی سلوچ را خواندم خوشم آمد و خواستم بخش لوک مست را بسازم، ایده را با دولت‌آبادی مطرح کردم و قول دادم نظر ایشان برآورده می‌شود، ایشان هم پذیرفتند، اما راستش بعدا از ساختن آن ترسیدم و وارد ساختن آن نشدم.

● فکر می‌کنید مهم‌ترین معضل فعلی سینما چیست؟

من سال ۹۲ داور بودم. آن سالی که فیلم «خانه پدری» قرار بود در جشنواره و خارج از مسابقه نمایش داده شود، من داور بودم. فکر کنم من را داور گذشتند تا به این خاطر که فیلمم به نمایش در نمی‌آید، دلم نشکند، من بعد از اینکه ۲۲ فیلم را تماشا کردم، به این نتیجه رسیدم که فیلم‌سازان دچار این جو شده‌اند که حتما باید در فیلمشان حرف بزرگ بزنند. در واقع سونامی معنا تراشی در فیلم‌ها رایج شده بود. در میان آن همه فیلم فقط یک اثر توانست مرا راضی کند. خلاصه در آن سال متوجه شدم که موج معناتراشی چه آفت خطرناکی است؛ یعنی فیلم‌های ما از نظر اجتماعی به یک جایگاهی رسیدند که فقط برای جلب توجه مخاطب سخت می‌گویند و به عقیده من این فیلم‌ها ماندگار نخواهند شد.

● کدام فیلم بود؟

اسمش را واقعا یادم نیست.

● فیلمی به تازگی دیدید که شما را راضی کرده باشد؟

اخیرا «جنگل پرتقال» را دیدم و خوشم آمد.

● فکر می‌کنید با توجه به مسیری که سینمای امروز ما در حال طی کردن آن است، بازهم می‌توانیم شاهد اتفاقی مشابه موج نو در سینما باشیم؟

بله، چون من باور دارم اگر سینما در آمریکا و فرانسه اختراع نشده بود، در ایران اختراع می‌شد. این حرف خیلی ماندگاری است که آقای ناصر تقوایی آن را می‌گفتند. ما نسل جوانی داریم که استعداد ذاتی سینما را دارند. موج نویی که شما فرمودید که تکانی به سینما دهد، حتما اتفاق خواهد افتاد، مگر می‌شود با این‌همه استعداد بالا و شگرفی که در این سینما وجود دارد این اتفاق نیفتد؟ یکی از همین شاهکارها «جنگل پرتقال» است.

● چرا صداوسیما سریال «۸۷ متر» را پخش نمی‌کند؟ آیا به شما بدهکار است؟

نمی‌دانم چرا پخش نمی‌کند اما بله، بدهکار است.

● این بدهی چه‌قدر است و آیا نمی‌خواهد بدهیش را به شما بدهد؟

نزدیک سه و نیم میلیارد تومان بدهی دارد و من از جمله کسانی که از صداوسیما طلبکارم چون از جیبم برای این سریال خرج کردم.

● برای همین ۸۷ متر؟

بله، بدون آن‌که دیناری عایدم شده باشد. ۴ سال از زندگیم صرف این سریال شد. برای کسی که می‌خواهد نشان دهد توان ساختن دارد، چنین کاری خوب است، می‌تواند در صداوسیما کار کند و مهارتش را نشان دهد ولی من که نشان داده بودم که می‌توانم بسازم. چرا من باید مجانی بسازم؟ من این سریال را کاملا و مطلقا مجانی ساختم.

● مشکل سریال چیست؟

داستان همان خانه کوچکی است که به ۲۵_۲۶ نفر فروخته شده است. سوال این است که پس کجاست قانون جمهوری اسلامی که مانع از چنین فسادی شود. یکی از دوستان درباره فیلم «کاناپه» به من گفت: «این‌ها خیلی شانس آوردند که مسئله بی‌حجابی در فیلم شماست و به همین بهانه توانستند فیلم را توقیف کنند چون یکی از دوستان ارشاد می‌گفت که ای فیلم به جز مسئله حجاب مانند یک پتک سنگین است. فیلم «کاناپه» به بهانه حجاب توقیف شد.

● درباره کاناپه و خانه پدری همواره این بحث وجود دارد که رفع توقیف خواهند شد. آیا از جانب سازمان سینمایی با شما صحبتی شده است؟

● هنوز نه، اما امیدوارم این اتفاق رخ دهد، امیدوارم شرایط به گونه‌ای پیش برود که اوضاع تا ابن اندازه به کام همه تلخ نباشد.

پایان باز نماینده سینمای ایران در اسکار ۲۰۲۵

در فاصله کمتر از ۲ هفته تا پایان مهلت کشورها برای معرفی نماینده خود به اسکار ۲۰۲۵، سینمای ایران با وجود نامزدهای استاندارد محدود، هنوز نماینده نهایی خود را معرفی نکرده است. این در حالی است که نماینده سینمای ایران باید در فاصله کوتاه تا نیمه آذرماه، گام‌های بلندی در مسیر اکران اروپایی، اقبال در فصل جوایز و نمایش برای طیفی از داوران آکادمی اسکار بردارد.

به گزارش خبرنگار سینمایی ایرنا، کمتر از ۲ هفته دیگر تا معرفی نمایندگان کشورها به آکادمی اسکار زمان باقی مانده و متاسفانه به رغم اینکه یک‌سوم کشورهایی که همواره به آکادمی، فیلم می‌فرستند، نسبت به اعلام نماینده خود اقدام کرده‌اند اما کمیته انتخاب سینمای ایران هنوز اثری را به اسکار معرفی نکرده است.

لطمات این تاخیر با توجه به اینکه ایران برای امسال، فیلم‌های درخور چندانی که با استانداردهای اقبال در اسکار همخوانی داشته باشد، ندارد، بیشتر شده است چرا که می‌شد از فرصت شهریورماه، استفاده بهینه‌تری به عمل آورد و نماینده سینمای ایران برای اسکار ۲۰۲۵ را برای حضور در فصل جوایز و تور اکران اروپایی، آماده کرد.

کشورها در حالی تا ۱۱ مهرماه فرصت دارند تا نماینده خود را به آکادمی معرفی کنند که فهرست ابتدایی نامزدهای شاخه بهترین فیلم‌های بین‌المللی، ۲۷ آذرماه معرفی می‌شود و این بدین معنی است که فیلم ایرانی تا اواسط آذرماه فرصت دارد تا با ترفندهایی چون اکران هدفمند در چند کشور مهم اروپایی و آمریکایی، خبرسازی‌هایی را در رسانه‌ها به راه بیندازد. همچنین باید تدابیری اندیشیده شود تا فیلم برای جمع کثیری از حدود ۱۱ هزار داور آکادمی اسکار نمایش داده شود و آنها بتوانند تصویری از این فیلم در ذهن داشته باشند چرا که این جمعیت، هیچ‌گاه تمام حدود ۹۰ فیلم غیرانگلیسی‌زبان را مشاهده نمی‌کند و داوری آنها در شاخه بهترین فیلم بین‌المللی، تابع پارامترهایی چون حضور و افتخارآفرینی در جشنواره‌های تراز اولی چون کن و ونیز و میزان اقبال در فصل جوایز است. البته که در این بین، بازوهایی چون خبرسازی در اکران‌های جهانی نیز می‌تواند نام فیلم را برای داوران برجسته کند. تدابیری همچون نمایش یا ارسال فیلم برای جمعی از منتقدان نیز می‌تواند اتفاق‌های به‌مراتب خوبی را در مقایسه با حیات نرمال فیلم رقم بزند.

حال با توجه به اینکه اثری از ایران در جشنواره رده‌بالای امسال افتخارآفرینی نکرده و فیلمی ایرانی نتوانسته در فهرست اکران اروپایی و آمریکایی قرار بگیرد، نماینده سینمای ایران، بر روی کاغذ شانس چندانی برای حضور و اقبال در فصل جوایز ندارند؛ بنابراین چه دلیلی دارد که انتخاب فیلم تا این اندازه به تاخیر بیفتد؟ فوریت این انتخاب، زمانی که گزینه‌های بسیارمحدودی برای آن وجود دارد، خیلی بیشتر هم می‌شود.

تا امروز، حدود ۶۰ فیلم در سینمای ایران اکران شده‌اند که تنها ۳ فیلم چرا گریه نمی‌کنی؟، بی‌بدن و مست عشق تاحدودی می‌توانند نسبت به مابقی آثار، واجد شرایط محدودی برای انتخاب باشند. در بین اکران‌نشده‌ها هم زمزمه‌هایی مبنی بر انتخاب رکسانا به گوش می‌رسد. انتخاب نهایی در هر دسته از فیلم‌های اکران‌شده یا اکران‌نشده که باشد، نیازمند قدرت‌نمایی در ۳ جبهه اکران جهانی، فصل جوایز و جلب رضایت طیفی از داوران آکادمی است که تمام این موارد، نیازمند برنامه‌ریزی، هزینه و البته طلا دانستن زمان است که متاسفانه تا اینجا نتوانستیم از فرصت یک‌ماهه شهریور استفاده کنیم و باید دید در ادامه چه اتفاق‌هایی طی دوماه‌ونیم آینده رخ می‌دهد.

حالا که زمان را تاحدودی از دست داده‌ایم، نیاز است تا ظرفیت‌های بین‌المللی نهادهایی چون فارابی، در کنار فیلم انتخاب‌شده قرار گرفته تا لااقل فرصت مهر و آبان، به‌سادگی شهریور از دست نرود و نماینده سینمای ایران بتواند با اتخاذ تدابیری در زمان باقی‌مانده، حداقل در میان ۱۵ نامزد ابتدایی شاخه بین‌الملل اسکار ۲۰۲۵ قرار بگیرد.

اخبار

در آستانه آغاز سال تحصیلی

۱۳۵ هزار نسخه «کتاب کودک و نوجوان» در راه کتابخانه‌های عمومی کشور است

در آستانه آغاز سال تحصیلی بسته ویژه کتاب کودک و نوجوان با ۵۰ عنوان کتاب در حال ارسال به تمامی کتابخانه‌های عمومی نهادی کشور است.

به گزارش خبر گزارپایگاه اطلاع‌رسانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، با پیگیری اداره‌کل تأمین منابع کتابخانه‌ها در آستانه آغاز سال تحصیلی، بسته ویژه «کتاب کودک و نوجوان» حاوی ۵۰ عنوان کتاب در ۱۳۵ هزار نسخه به تمامی کتابخانه‌های عمومی نهادی کشور در حال ارسال است.

منابع موجود در این بسته از ۲۵ ناشر از جمله افق، امیرکبیر، ایران‌بان، به‌نشر، پرتقال، پیدایش جمال، چشمه، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، رودآبی، سوره مهر، صابرین، علمی و فرهنگی، فاطمی، فنی ایران، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، کتابک، مبتکران، محراب قلم، مهرسا، میچکا، میرماه، میلکان، واله و ویژه نشر خریداری و به ۲۷۰۰ باب کتابخانه نهادی در سراسر کشور ارسال می‌شود.

«آبشار یخ»، مجموعه ۵ جلدی «بیلی و هیولای فسقلی»، «شب بخیر فرمانده»، «مومو»، «حسن در مدرسه»، «شکارچی و سگش»، «مامان رباتی»، «خیابان دندان شیری»، «ماجراهای امیرعلی و ننه گلاب»، «نذر مخصوص»، مجموعه ۱۳ جلدی «سرگذشت استعمار» و مجموعه ۷ جلدی «داستان‌های شگفت‌انگیز علم»، برخی از عناوین این بسته است.

حامد عبدوس، مدیرکل تأمین منابع کتابخانه‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، از درج نشان «منابع کتابخانه‌های عمومی کشور»، نشانی سامانه مدیریت کتابخانه‌های عمومی (www.samanpl.ir) با عبارت «غیرقابل‌فروش» در شناسنامه و پشت جلد برخی از عناوین این بسته برای اولین بار خبر داد.

عبدوس هدف از این اقدام را هویت‌بخشی به منابع کتابخانه‌های عمومی و پیشگیری از خروج منابع از مخازن کتابخانه‌های عمومی بیان کرد.

نمایش آثار ایرانی در جشنواره «سماع» در سوئد

جشنواره «سماع» در سوئد میزبان فیلم های ایرانی شد.

به گزارش ایسنا،«در آغوش درخت» ساخته بابک خواجه پاشا، «آخرین تولد» به کارگردانی نوید محمودی، فیلم «همسایه شما، زهره» به کارگردانی علی درخشنده، «پاکُل» ساخته نوید اسماعیلی و فیلم‌های کوتاه «عروسک زیبای من» ساخته حسام دهقانی، «هومونکولوس» ساخته گلنوس انصاری و «آن سوی کوچه‌ها» به نویسندگی و کارگردانی نوید زارع در این دوره از جشنواره فیلم سماع سوئد حضور دارند.

اساسنامه و هدف جشنواره بین المللی فیلم سماع در سوئد نمایش و ارائه آثار فیلمسازان افغانستان، ایران، تاجیکستان، ترکیه، هند، قزاقستان، قرقیزستان و سایر کشورهایی است که کمتر به آثارشان در جشنواره‌های منطقه توجه می شود.

این جشنواره همچنین بر روی فیلم‌های فیلمسازان اروپایی و آمریکایی درباره آسیا تمرکز دارد و آثار مستند و بلند سینمایی آنها را ارائه می کند.

این رویداد سینمایی سالانه از آثار برگزیده با اعطای نشان سماع تقدیر می‌کند. آثار جشنواره در دسته‌های بهترین فیلم بلند سینمایی، بهترین فیلم کوتاه، بهترین فیلم بلند مستند، بهترین فیلم کوتاه مستند و بهترین فیلم انیمیشن قرار دارند.

پانزدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم سماع در تاریخ ۱۹ و ۲۰ اکتبر ۲۰۲۴ (۲۸ و ۲۹ مهرماه ۱۴۰۳) در شهر استکهلم کشور سوئد برگزار خواهد شد.

حاشیه اخیر «سیدحسین حسینی» قابل دفاع است

تنبیه مجری شبکه افق ناشی از فقدان دیپلماسی رسانه‌ای

تعلیق مجری شبکه افق برای پاسخ به اظهارات شیطنت‌آمیز مجری آذربایجانی درباره تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران، دارد به یکی‌از مهمترین حاشیه‌های هفته‌های اخیر کشور تبدیل می‌شود. گفته می‌شود عدم هماهنگی قبلی برای موضع‌گیری مجری برنامه، سبب چنین تنبیهی برای او شده؛ غافل از آن‌که این شیطنت رسانه‌ای مجری کشور همسایه، می‌بایست پاسخی هم‌ارز می‌داشت و در چارچوب دیپلماسی رسانه‌ای مرسوم بین‌المللی؛ همین اتفاق هم افتاده بود اما، حذف یک‌باره این مجری، حاشیه بزرگتری را برای آن سازمان ایجاد و مجددا این سوال را پیش روی کارشناسان گذاشته که دیپلماسی رسانه‌ای چگونه می‌تواند باری از دوش دیپلماسی رسمی کشور بردارد؟!

به گزارش ایسنا، سیدحسین حسینی از جمله مجری‌های صدا و سیماست که کم حاشیه نداشته است؛ او چه در برنامه صبحگاهی خود و چه در برنامه به افق فلسطین، گاهی یک‌تنه جور وایرال برنامه را با برخی جملاتش کشیده است!

اما حاشیه اخیر او را باید متفاوت از قبلی‌ها دانست و می‌توان از آن حمایت کرد.

ماجرا از این قرار است که مجری آذربایجانی در برنامه‌ای پس از چندین و چند جمله‌ی تند و توهین‌آمیز نسبت به ایرانی‌ها، می‌گوید که «ایران برای ماست» و حسینی هم پاسخ می‌دهد: «اگر به برخی چیزی نگویی وهم برشان می‌دارد. مجری باکو گفته بود کل ایران برای ماست! قبلا هم می‌گفتند آذربایجان و اردبیل برای ماست، الان می‌گویند کل ایران! مجری تلویزیون باکو بداند که اگر ایران عزیز اراده بکند ما به زودی گزارش وضع هوای آذربایجان شمالی را هم در تلویزیون جمهوری اسلامی پخش می‌کنیم!»

طبق گزارش رسانه‌ها، او در بخش دیگری از این برنامه ابراز امیدواری می‌کند که آذربایجان سابق ایران دوباره به خاک ایران ملحق شود.

حالا بعضی از مدیران مربوط، تایید می‌کنند مدیران صداوسیما مشکلی با جملات سیدحسین حسینی ندارند؛ اما چون بدون هماهنگی مطرح شده، احتمالا باید تنبیه کوچکی برای او در نظر گرفته شود! البته که هیچ‌کس حاضر نیست همین را به‌صورت رسمی به رسانه‌ها اعلام کند و همه چیز غیررسمی پیش می‌رود! ماجرا از آنجا اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که حمید رسایی، نماینده تهران پشت تریبون مجلس شورای اسلامی، دلیل تنبیه این مجری صدا و سیما را پاسخ بدون هماهنگی او به مجری آذربایجانی عنوان و به شدت از این رویکرد انتقاد کرد.

در عین حال که باید حق استفاده از ابزار تشویق و تنبیه را برای مدیریت عالی سازمان صداوسیما یا مدیران شبکه‌ها به رسمیت شمرد، اما نباید از یاد برد که مدیران نمی‌توانند از استانداردهای دوگانه در رویه‌های اداری خود استفاده کنند؛ به عنوان مثال وقتی پاسخ انتقاد تند یک مجری به مدیران ارشد این سازمان، می‌تواند حفظ و دلجویی کردن باشد؛ چطور می‌توان پذیرفت که پاسخ تند به گستاخی‌های بسیار تندتر مجری کشوری دیگر درباره تمامیت ارضی ایران عزیز، با برخورد قهری مواجه شود؟

آیا می‌بایست برای پاسخ به گستاخی مجری یک شبکه معمولی تلویزیون در کشور همسایه، کل دستگاه دیپلماسی را فعال کرد یا می‌بایست پاسخی در همان تراز به توهین انجام‌شده داد و از کنار آن گذشت؟ چطور می‌توان چنین امر بدیهی را به یک چالش جدی ملی تبدیل کرد و اهمیت دیپلماسی رسانه‌ای را در کنار دیپلماسی روتین وزارت امور خارجه نادیده گرفت؟

چنین رویکردهایی بیش از پیش نشان می‌دهد که صدا و سیما از مشکل جدی عدم پیش‌بینی عواقب بیرونی برای برخی تصمیماتش رنج می‌برد؛ چرا که هر کس با کمترین دانش رسانه می‌داند که حذف یک‌باره یک مجری چهره که در فضای غیررسمی گفته می‌شود به بهانه بیان بدون هماهنگی یک موضع درست و ملی انجام شده است، نه‌تنها موجب لکنت زبان مجریان دیگر در موارد مشابه می‌شود، بلکه سیل انتقادات را روانه سازمانی می‌کند که به خودی خود، حاشیه بیشتری نیاز ندارد؛ البته درباره همین حاشیه نیز در فضای رسمی کسی حاضر نیست اطلاع‌رسانی یا اظهارنظر کند!

جدای از این موضوع، کمتر کسی است که نداند صدا و سیما در تمام ابعاد آن، باید معتقد به آزادی عمل منطقی تولیدکنندگان، برنامه‌سازان و مجریان در چارچوب‌های مشخص‌شده باشد و سهمی برای خطا و اشتباهات معمول تولید محتوا در نظر بگیرد و در کنار آن، حمایت منطقی از نیروهای داخلی، سعه صدر و پرهیز از تصمیمات شتاب‌زده‌ی مدیران است که می‌تواند اطمینان خاطر برای خلق اثر را ایجاد کند؛ دقیقا برعکس اتفاقی که درباره ماجرای پاسخ به توهین مجری آذربایجانی اتفاق افتاد.

باید تاکید کرد که موضع سیدحسین حسینی، مجری برنامه "در افق فلسطین" در دفاع از تمامیت ارضی ایران، اقدامی درخور تحسین بود که حتما مدیران سازمان صدا و سیما حتی اگر تحت فشار بیرونی بودند، می‌بایست از آن حمایت و نهایتا گله یا تنبیه یا مرخصی اجباری احتمالی را به چند روز بعد موکول می‌کردند؛

هرچند مجری شبکه افق هم احتمالا می‌داند که برخورد قهری امروز، شاید حاصل حاشیه‌های ماه‌ها و یا شاید چندسال اخیر او روی آنتن باشد.

با تمام این موضوعات، باید پرسید که جایگاه رسانه ملی و رسانه‌های دیگر، در دیپلماسی و سیاست‌خارجی کشور کجاست و چگونه می‌تواند در بزنگاه‌هایی مانند آنچه در این روزها خود به حاشیه‌ای بزرگتر از حاشیه قبل تبدیل شده است، کمک‌حال سیاستمداران باشد؟